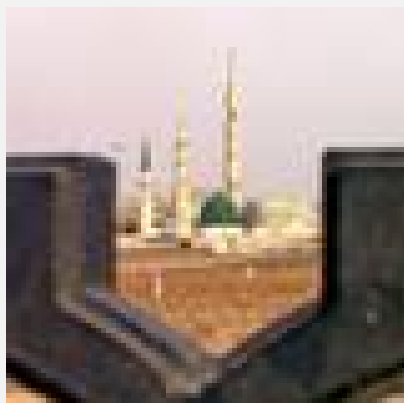


در محضر امام صداقت

امام صداقت صادق سلام الله علیه گذشته ...



امام صداقت صادق سلام الله علیه گذشته از مزایای عامّه امامت و ولایت، ویژگی خاصی دارد که همانند هر یک از ائمه علیهم السلام مظهر نامی مخصوص از اسماء حسناى حق‌اند. حضرتش که به صادق ملقب شد، انسانها را به فراگیری صدق دعوت می‌کند و چنین می‌گوید: **تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ (1)**؛ قبل از سخن گفتن، ادب صداقت را بیاموزید. خواه سخن مربوط به امور نظری باشد، حقّ بگوئید؛ خواه مربوط به امور عملی باشد، صادق باشید. تا انسان میزان صدق نشد، آگاه نیست. وقتی به صداقت آگاه نشد، معیار سخن در اختیار او نیست. نه می‌تواند سخن بگوید، نه می‌تواند سخن سخنوران را بسنجد. زیرا معیار سخن، صدق است و این صدق با جان انسان صادق عجین است و تا روح صادق نبود، هرگز انسان میزان سخن نخواهد داشت.

تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ. و این صدق چون همان حق است و تنها محور تشخیص حق، عقل است، حضرتش ما را به تعیین محور صدق که عقل است فراخواند؛ فرمود: **دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ (2)**. یعنی زیر بنای حیات انسان، اندیشه است. اگر در مسائل نظر گفته‌اند ای برادر! تو همان اندیشه‌ای، در مسائل عمل نیز گفته‌اند که ای برادر! تو همان اراده و نیتی. یک انسان باید خوب بفهمد و فهمیده‌ها را خوب عمل کند. لذا امام ششم؛ هم ستون اندیشه را عقل می‌داند و هم ستون عمل را عقل می‌داند که عقل چیزی است؛ به **يَعْبُدُ الرَّحْمَنَ وَيَكْتَسِبُ الْجَنَانَ (3)**. و این امامان، عقل منفصل امت اسلامی‌اند که در زیارت جامعه به پیشگاه شان عرض می‌کنیم: **بِکَمِ يَعْبُدُ الرَّحْمَنَ (4)**. اگر عقل هر انسانی معیار عبادت اوست، امامان معصوم (علیهم السلام) عقل امت اسلامی‌اند، و اگر امت اسلامی توفیق عبادت دارند، در پرتو ارتباط با امامان است که بهم **يَعْبُدُ الرَّحْمَنَ**.

آنگاه برای اینکه انسان؛ هم در بعد نظر عاقلی نیرومند و هم در بعد عمل صاحب اراده‌ای قوی باشد، به همه ما آموخت: اصل المرء لئنه (5). یعنی انسان مرکب از دو حقیقت همسان به نام جسم و روح نیست. انسان یک حقیقت دارد که اصلش را روح و فرعیش را بدن می‌سازد.

قَدْرَتِ ارَادَةٍ يَا قُوَّةَ جِسْمٍ؟
اگر در بلندای سخن امیر سخن علی بن ابیطالب علیه افضل صلوات المصّبین می‌خوانید که ما قلعت باب خیر بقوه جسدانیّه و لا قوه غذائیّه و لکن بقوه ملکوتیه و نفس بنور ربّها مضمیّنه (6)؛ روی قدرت اراده است. اگر حضرت فرمود: من در خیر را با نیروی بدن نکنم، با قدرت اراده این در را از جای کندم؛ یعنی اگر اراده نیرومند شد، بدن توانمند می‌شود. قدرت روح است که بدن را نیرومند می‌کند، چه اینکه ضعف روح است که در بدن پیدا می‌شود.

این بیان امام صادق (سلام الله علیه) به هر انسانی دستور تقویت اراده می‌دهد که به چیزی جز خدا نیندیشد. قدرت اراده در مسائل کمّی او نیست. آنکه در مسائل مادّی نیرومند است، این گرفتار ضعف اراده و قدرت بدن است. اینکه در گناه نیرومند است، چون اسیر است و انسان اسیر، دلیل. آنکه ستم می‌کند، خواه ستم به خود، خواه ستم به غیر، او فرومایه است و انسان فرومایه از قدرت اراده محروم! فرمود: **الظَّالِمُ ذَلِيلٌ**؛ ستمکار فرومایه است. ذلت در ظلم ظهور می‌کند و عزت در اطاعت جلوه می‌کند.

فرمود: **ظَلَمَ رَأَى جَزْأً مِنْهُ فَرُومَايَةً**، احدی نمی‌پذیرد. اگر ستم می‌کند، دلیل است و اگر ستم می‌پذیرد، دلیل. و قدرت اراده انسان را به عدل می‌خواند که نه سلطه‌گر باشد و نه سلطه‌پذیر؛ و اگر انسان توانست هر ستمی را در پرتو اتکال به قدرت حق حل کند، چرا از میدان وسیع اراده مدد نگیرد و بالا نیاید و دست ستم را از آستین ستمکار قطع نکند؟! که امام ششم

فرمود: **دَعَا الْمَظْلُومَ تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ (7)**. آه مظلوم و دعای ستم دیده به آسمان صعود می‌کند. این کلمه طیبیه است؛ اگر خدا فرمود: **إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ (8)**، امام ششم مبین قرآن است، می‌گوید: دعای انسان ستم دیده به آسمان می‌رود. این آسمان نه یعنی فضای بالا! آن آسمانی که رزق ما آنجاست. و فی السّماء رزقکم (9). آن آسمانی که این آسمانها در آنجاست. آن آسمانی که دره‌هایش به روی مؤمنین باز است و هرگز به چهره کفار گشوده نمی‌شود. **لَا تَفْتَحْ لَهُمُ ابْوَابَ السَّمَاءِ (10)**. آن آسمانی که فرشتگان خاصّ صاحبان آنهاست، گیرندگان وحی آسمانی‌اند، و اوحی فی کلّ سماء امرها (11). آن آسمان جای صعود دعای ستم دیدگان است. یعنی اگر یک کسی بداند دعای او به درون

آسمانها راه پیدا می‌کند، او هرگز ستم نمی‌پذیرد، چه اینکه حاضر نیست ستم بکند. اینها را امام ششم به ما آموخت و راه تقویت اراده را که همان اصلت عقل است در میدان عبادت خلاصه کرد. به ما فرمود: تنها راه قدرت اراده، عبادت است. راهی برای نیرومند کردن نیت جز عبادت نیست. فرمود: **أَنْجَنَانِ مِنْ خُذَا بَتْرَسَ كَمَا كُنِيَ خُذَا رَا مِي**

بینی،
آیت الله جوادی آملی
منبع: کتاب نیوز